

نقش توکل و اعتماد به نفس؛ در مدیریت اسلامی

حسین مومنی^۱

چکیده

در مدیریت اسلامی توکل بر خداوند و اعتماد به نفس از گزاره های است که از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار بوده و موثر بر عملکرد مدیران می باشند. در این مقاله سعی شده است نقش توکل بر خداوند و اعتماد به نفس در عملکرد مدیران مسلمان با استفاده از روش تحلیل محتوای مورد بررسی قرار گیرد. هدف از انجام این نوشتار و نوآوری آن بررسی یکی از الگوهای مدیریت اسلامی نوپا با عنوان ذکر شده می باشد. تحلیل اطلاعات نشان می دهد که مدیران کارآمد که توکل بر خداوند دارند و نیز از اعتماد به نفس بالای برخوردار هستند، با درایت و کاردانی می توانند از عملکرد خوبی برخوردار باشند و بهترین تصمیمات را برای رسیدن به هدف مطلوب در سازمان بگیرند. یافته های تحقیق بیانگر آن است که «توکل بر خداوند» منجر به «مدیریت بر خویشتن» می شود و آن نیز «اصلاح عملکرد» را در پی دارد که حاصل آن هم بیانگر «مصادیقی از مدیریت اسلامی» خواهد بود و متقابلاً نیز هر یک بر همدیگر تأثیر گذار است.

کلید واژگان: توکل، اعتماد به نفس، نقش، مدیریت اسلامی.

مقدمه:

در دانش مدیریت اسلامی اعتماد به نفس و توکل بر خداوند از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و سرنوشت ساز می باشد. درین تحقیق نقش اعتماد به نفس و توکل بر خداوند در مدیریت اسلامی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. در مدیریت اسلامی مقداری از دانش مدیریت-به طور عام- به عنوان اصول موضوعه قرار داده شده است که در این میان توکل و اعتماد به نفس به صورت تصمیمات استراتژیک در آن ظهور پیدا می کند؛ از این رو اعتماد به نفس نیز مورد بررسی واقع شده است. فرض بر آن است که یک مدیر مسلمان با توکل بر خداوند و اعتماد به نفس راسخ و به همراه داشتن مشاوران زبده دارای عملکرد خوبی است و می تواند تصمیمات مؤثری بگیرد. اهمیت این نوشتار به دلیل آن است که بررسی و پژوهشی در زمینه مدیریت اسلامی نوپا با عنوان نقش توکل و اعتماد به نفس در مدیریت اسلامی می باشد. هدف از این پژوهش آن است که به اثبات برساند یک مدیر با دارا بودن دانش مدیریت و اعتماد به نفس و با اعتقاد به باورهای دینی به خصوص توکل بر خداوند می تواند به نوآوری های جدید در انجام وظایف مدیریتی دست یابد. با این بیان سوال تحقیق به این صورت بیان شده است: توکل بر خداوند چه نقشی در مدیریت اسلامی دارد؟

مفاهیم:

توکل در لغت و اصطلاح:

توکل، در لغت واگذار کردن امری است به معتمدی از این جهت که شخص خود را در انجام آن کار عاجز و ناتوان ببیند (عظیم زاده آرنانی، ۱۳۸۹:

۱۶۴)، توکل بدیگری اعتماد کردن، کار خود بخدا حواله کردن، با امید به خدا بودن است (معین، ۱۳۸۲، ۱: ۱۱۶۹) و کِل یعنی واگذار کرد. توکیل که به اصطلاح علم صرف از باب تفعیل از ریشه وکل است، یعنی وکیل گرفتن. وکیل یعنی کسی که انسان کار را به او واگذار کرده است، توکیل یعنی وکیل انتخاب کردن. علی القاعده باید به جای توکل علی الله، وکل الله باشد، یعنی هر کسی که خدا را وکیل و کارگزار کار خودش قرار بدهد (غریب القرآن، ۵۳۱). منظور از توکل سپردن کارها به خدا، و اعتماد بر لطف اوست، زیرا توکل از ماده وکالت به معنی انتخاب وکیل نمودن و اعتماد بر دیگری کردن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۲: ۲۴۹). توکل در احادیث دوری جستن و چشم پوشیدن از حول و قوه غیر خدا و انتظار کشیدن برای پیش آمدهای مقرر است (تبیان زنجان، ۱۳۹۰). حضرت پیامبر (ص) می فرماید: از جبرئیل سوال کردم توکل بر خدا چیست؟ گفت: دانستن آنکه نه زبانی تواند زد و نه سودی تواند رساند. نه می تواند عطا کند و نه منع نماید. و نیز نومید بودن از مخلوق. هر گاه بنده چنین باشد دیگر برای هیچ کس جز خدا عملی انجام نمی دهد و جز خدا به کسی امید نمی بندد این است توکل (محمدزاده، ۱۳۹۲).

اعتماد به نفس در لغت و اصطلاح:

اعتماد یعنی تکیه کردن بر، وا گذاشتن کار به کسی، سپردن چیزی را به کسی، اتکاء بخود. و نفس یعنی ذات و حقیقت هر کسی یا هر چیزی، سرشت (انوری، ۱۳۸۱، ۸: ۷۸۸۸). اعتماد به نفس واقعی آن است که روی آگاهی ها و توانایی های انسان اثر گذار باشد. اعتماد به نفس واقعی هیچ گونه ارتباطی با آن چه در زندگی بیرونی فرد اتفاق می افتد ندارد؛ بلکه نتیجه باور قلبی و درونی

انسان‌ها به توانایی‌ها و قابلیت‌های آن‌ها است. اعتماد به نفس واقعی، همواره از درون فرد تولید می‌شود و زاییده‌ی تعهد او به خودش است (آنجلس، ۱۳۸۹: ۱۷). اعتماد به نفس یعنی اگر در ابتدا نتوان کاری را به خوبی انجام داد با تمرین و اعتماد به روح خود می‌توان از عهده آن کار به شکل عالی برآمد. داشتن اعتماد به نفس، حس مدیریت و رهبری را در انسان تقویت می‌کند (تبیان زنجان، ۱۳۹۰).

معنای مدیریت اسلامی:

اسلام دارای نظام ارزشی عمیق، گسترده و منسجم است که مدیریت مدیران مسلمان را تحت تأثیر گسترده قرار می‌دهد، در روش‌های عملی آن‌ها اثر می‌گذارد و به حرکت آن‌ها جهت می‌دهد. این بزرگترین نقش است که اسلام در مدیریت ایفا می‌کند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۲۸۶) تعریف مدیریت اسلامی: مدیریت هنر و علم به کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول اهداف سازمانی است، به نحوی که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد. (نبوی، ۱۳۸۷: ۳۳) مدیریت اسلامی، عبارت است از تأثیر نظریات اسلامی پیرامون مسائل هستی‌شناسی و انسان‌شناسی به عنوان اصول موضوعه در علوم انسانی تجلی می‌کند. و این تأثیر در تعیین اهداف خط‌مشی‌ها و روش‌های عملی ظاهر می‌شود. (بابائیان، ۱۳۸۴)

روش تحقیق:

پژوهش حاضر در صدد دست‌یابی تأثیر اعتماد به نفس و توکل بر خداوند مدیران بر عملکرد آن‌ها می‌باشد. این تحقیق بر اساس هدف از نوع کاربردی،

برحسب نحوه گردآوری داده‌ها از نوع تحلیل توصیفی و روش شناسی پژوهش تحلیل محتوای کیفی از نوع قیاسی و به صورت تلخیصی می‌باشد در فرایند تحقیق برای به دست آمدن ادبیات و چارچوب نظری تحقیق اطلاعات به صورت کیفی بر مبنای مطالعه و فیش برداری از اسناد کتابخانه‌ای تهیه شده است. در این زمینه به کتاب‌های مدیریتی، کلام اسلامی، اخلاق اسلامی و... مراجعه شده است.

تعریف تحلیل محتوا:

تحلیل محتوا توصیف ویژگی‌های یک پیام (پورشافعی، ۱۳۹۳: ۲۳۴) و یا تحلیل علمی پیام‌های ارتباطی می‌باشد؛ یا مرحله‌ای از جمع‌آوری اطلاعات است که در آن محتوا ارتباطات از طریق به کارگیری عینی و منظم قواعد مقوله بندی شده و به اطلاعاتی که می‌توانند خلاصه و باهم مقایسه شوند، تغییر شکل می‌یابد (هولستی، ۱۳۸۰). کریپ پندروف، تحلیل محتوا را به عنوان نوعی فن پژوهشی برای ایجاد مراجع معتبر و تکرار پذیری از داده‌های متون تعریف می‌کند (دایایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۱). در این روش محقق منتظر تحلیل بر مبنای معیارهای است که بیشتر به سازمان درونی گفتار مربوط می‌شود تا به محتوای آشکارش (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۵: ۲۴۱).

روایی و پایایی:

روایی در تحقیقات به این معنی است که وسیله اندازه‌گیری، بتواند خصیصه و ویژگی مورد نظر را اندازه بگیرد. (خاکی، ۱۳۷۸: ۲۸۸) یا در آن به این سؤال جواب داده می‌شود که آیا ابزار اندازه‌گیری آنچه را که تصور اندازه‌گیری‌اش را دارد، اندازه می‌گیرد یا خیر؟. (یوسف نژاد، ۱۳۹۱: ۲۶) یک آزمون زمانی دارای

پایایی است که نمره‌های مشاهده و نمره‌های واقعی آن دارای همبستگی بالایی باشند. (خاکی، ۱۳۷۸: ۲۹۱)

اعتبار محتوا غالباً تکیه گاه روش تحلیل محتوا بوده است که از طریق قضاوت آگاهانه پژوهشگر به دست می‌آید. (هولستی، ۱۳۸۰: ۲۲۱) در تحلیل محتوا پایایی یعنی اینکه اگر کدگذاران مختلف دستورالعمل کدگذاری را در مورد یک محتوا به کار ببرند، باید به نتیجه واحدی برسند، اما زمانی که رمزگذار فقط یک نفر است تحلیل گر پایایی کدگذاری را نسبت به خودش در دو زمان آزمون می‌کند. (فروتنی، ۱۳۳: **1387**)

مبانی نظری:

توکل به خداوند:

منظور از توکل؛ سپردن کارها به خدا و اعتماد بر لطف اوست، هر قدر وکیل توانایی بیشتر و آگاهی فزون‌تر داشته باشد شخص موکل احساس آرامش بیشتری می‌کند. از آنجا که علم خدا بی‌پایان و توانایش نامحدود است هنگامی که انسان توکل بر خداوند می‌کند و آن را به مفهوم صحیح کلمه در جان خود پیاده می‌کند به یقین امیدآفرین، نیروبخش و باعث تقویت اراده و تحکیم مقاومت و پایداری او است، آرامش فوق‌العاده احساس می‌کند، در برابر مشکلات و حوادث مقاوم می‌شود و پیوسته راه خود را به سوی هدف ادامه می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۲: ۲۴۹).

توکل در قرآن:

بخشی از آیات که در مورد توکل بر خداوند آمده است در زیر آورده شده

است. إِنْ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ (هود، ۵۶)؛ من بر خدا که پروردگار من و شماست توکل کرده‌ام (محمدزاده، ۱۳۹۲). إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (هود، ۸۸)؛ من جز اصلاح-تا آنجا که در توانایی دارم-نمی‌خواهم! و توفیق من جز به خداوند نیست. بر او توکل کردم و به سوی او باز می‌گردم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ۲: ۲۴۹). وقال موسى يا قوم ان كنتم آمنتم بالله فعليه توكلوا ان كنتم مسلمين فقالوا على الله توكلنا ربنا لاتجعلنا فتنه للقوم الظالمين؛ موسى گفت: ای قوم من اگر شما به خدا ایمان آورده‌اید، بر او توکل کنید اگر تسلیم فرمان او هستید-گفتند: تنها بر خدا توکل داریم، پروردگارا ما را مورد شکنجه گروه ستمگر قرار مده (یونس، ۸۴-۸۵). وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا؛ و به خدا اعتماد کن، که تنها خدا تو را نگهدارنده کافی است (نساء، ۸۱). فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ؛ من تنها به خدا توکل کردم (یونس، ۷۱)

. فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ؛ لیکن آنچه تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده، که خدا آنان را که بر او اعتماد کنند دوست دارد (آل عمران، ۱۵۹). إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ؛ بر او توکل کردم و باید همه صاحبان مقام توکل هم بر او اعتماد کنند (یوسف، ۶۷). مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ حال آنکه هر کس بر خدا توکل کند خدا غالب مقتدر و داناست (انفال، ۴۹). تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ کار خود به خدا واگذار که خدا شنوا و داناست (انفال؛ ۶۱). وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ؛ و تو بر خدای زنده ابدی که هرگز نمیرد توکل کن (فرقان، ۵۸). فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ؛ پس تو بر خدا توکل کن که تو البته بر حقی و حقایقت بر همه آشکار است (نمل، ۷۹). مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ؛

هر که بر خدا توکل کند خدا او را کفایت خواهد کرد (طلاق، ۳). آنچه روشن است این که در این آیات توکل بر خداوند در انجام عملکرد لازم است، ولی بعد از آگاهی و فراهم بودن شرايط، نه این که بدون اطلاعات کافی با توکل تصميم گرفته شود که در این صورت شکست و موفقیت نصف نصف است.

توکل در روایات:

قال رسول الله (ص) فرمود: **اَلتَّوَكُّلُ بَعْدَ الْكَيْسِ مَوْعِظَةٌ**؛ توکل کردن بعد از به کار بردن عقل، خود موعظه است (کنز العمال، ۳: ۱۰۳). امیرمؤمنان علی (ع) می فرماید: **مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ ذَكَتَ لَهُ الصَّعَابُ وَتَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْأَسْبَابُ**؛ هر کس به خدا توکل کند، دشواری ها برای او آسان می شود و اسباب برایش فراهم می گردد (غررالحکم، ۵: ۴۲۵). امام علی (ع) می فرماید: **اَلتَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ نَجَاءٌ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَحِرْزٌ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ**؛ توکل بر خداوند، مایه ی نجات از هر بدی و محفوظ بودن از هر دشمنی است (شرح غرر، ۵، ۴۱۴). امام باقر (ع) می فرماید: **مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ لَا يُغْلَبُ وَمَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ لَا يُهْزَمُ**؛ هر کس به خدا توکل کند، مغلوب نشود و هر کس به خدا توسل جوید، شکست نخورد (جامع الاخبار، ۳۲۲). رک هادی موحدی، یک هزار حدیث. قال الصادق (ع): **إِنَّ الْغِنَى وَالْعِزَّ يَجُولَانِ فَإِذَا ظَفِرَا بِمَوْضِعِ التَّوَكُّلِ أَوْطَأْنَا**؛ بی نیازی و عزت به هر طرف می گردند و چون به جایگاه توکل دست یافتند در آنجا قرار می گیرند (کافی، ۲: ۶۵).

امام جواد (ع) می فرماید: **ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ لَمْ يَنْدَمَ: تَرَكَ الْعَجَلَةَ، وَالْمَشُورَةَ، وَالتَّوَكُّلَ عَلَى اللَّهِ عِنْدَ الْعَزْمِ**؛ سه چیز است که هر کس آن را مراعات کند، پشیمان نگردد: ۱. اجتناب از عجله، ۲. مشورت کردن، ۳. و توکل بر خدا در هنگام تصمیم گیری. امام جواد (ع) در جای دیگر می فرماید: **الثَّقَّةُ بِاللَّهِ تَمَنَّيَ لِكُلِّ غَالٍ** و

سَلَّمٌ إِلَى كُلِّ عَالٍ؛ اعتماد به خدا بهای هر چیز گرانبها است و نردبانی به سوی هر بلندایی (بحار، ۵: ۱۴). امام کاظم^(ع) می‌فرماید: اَلتَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ دَرَجَاتٌ، مِنْهَا أَنْ تَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فِي أُمُورِكَ كُلِّهَا فَمَا فَعَلَ بِكَ كُنْتَ عَنْهُ رَاضِيًا تَعْلَمُ أَنََّّهُ لَا يَأْلُوكَ خَيْرًا وَفَضْلًا وَتَعْلَمُ أَنَّ الْحُكْمَ فِي ذَلِكَ لَهُ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ بِتَفْوِيضِ ذَلِكَ إِلَيْهِ وَتَوَقُّ بِهَ فِيهَا وَفِي غَيْرِهَا؛ توکل کردن بر خدا درجاتی دارد: یکی از آنها این است که در تمام کارهایت به خدا توکل کنی و هر چه با تو کرد از او خشنود باشی و بدانی که او نسبت به تو از هیچ خیر و تفضلی کوتاه‌تری نمی‌کند و بدانی که در این باره حکم، حکم اوست، پس با واگذاری کارهایت به خدا بر او توکل کن و در آن کارها و دیگر کارها به او اعتماد داشته باش (کافی، ج ۲: ۶۵).

اعتماد به نفس:

اعتماد به نفس، اعتماد، اعتقاد و اطمینان داشتن به درون، به نفس وجودی، به توانایی‌ها و استعدادهای خود است. اعتماد به نفس قدرتی است که در درون هر کسی وجود دارد، یعنی توانایی و علاقه برای خلق چیزهایی که انسان در زندگی به آن احتیاج دارد. مشکل این جاست که انسان بیشتر وقت‌ها این قدر خود را فراموش می‌کند که نمی‌داند اعتماد به نفس چیست و نمی‌داند به چه چیزی باید اتکا نماید (جفرز، ۲۰۱۳: ۱۰).

آرامش و اعتماد به نفس ارتباط نزدیکی با هم دارند، این کار با آرامش جسمانی شروع می‌شود، انسان با آرامش بستر هیجانات را تحت کنترل دارد و بهتر می‌تواند با دیگران ارتباط برقرار کند. آرامش جسمانی و ذهنی به فرد کمک می‌کند از اعتماد به نفس بالای برخوردار باشد، با موقعیت‌های تنش‌زا سازگار شود و تمرکز و خلاقیت خود را بهبود بخشد (پرستون، ۱۳۸۸: ۳۳).

اهمیت اعتماد به نفس:

اعتماد به نفس، چیزی است که موفقیت انسان را در کار، زندگی خانوادگی، ارتباطات و فعالیت‌های تفریحی، تحت تأثیر قرار می‌دهد و بر عملکرد افراد تأثیر گذار است. باور به خود عالی‌ترین دارایی است حتی رفاه زیاد و شهرت نیز نمی‌توانند خود پنداره‌ی ضعیف را جبران کند. چنان‌چه انسان بخواهد موفق باشد باید کاری انجام دهد و اشتباه‌های زیادی مرتکب شود، هر کس موفق شده و به جایی رسیده که از آن خوشحال است می‌بایست روزی جایی را که بوده نیز تحمل می‌کرده (پرستون، ۱۳۸۸: ۷ و ۳۳). مسئولیت اعتماد به نفس با کیست: تنها کسی که می‌تواند اعتماد به نفس فرد را بسازد خود او است، اگر انسان تعهد محکم بدهد، اهداف را تعیین کند. راهکارها را برنامه ریزی کند و دست به عمل بزند، یعنی مسئولیت کامل کار را بپذیرد و تصمیم بگیرد این فرد اعتماد به نفس دارد و عملکردش بهتر خواهد بود (پرستون، ۱۳۸۸: ۳۳). آیا ما با اعتماد به نفس متولد می‌شویم؟ فیلد در این باره می‌گوید: «بله، من اعتقاد دارم که انسان با اعتماد به نفس متولد می‌شود مگر این که به کودکی برخورد کنیم که اعتماد به نفس نداشته باشد! کودکان در راه رسیدن به آنچه می‌خواهند بسیار مصمم هستند و سعی دارند به محدودیت‌های خود غلبه کنند» (فیلد، ۱۳۸۷: ۴۰).

انواع اعتماد به نفس:

دو نوع اعتماد به نفس:

۱- احساسی-عاطفی:

این اعتماد به نفس چیزی نیست که آن را انسان در بیرون از خود تولید کند، بلکه فقط می‌تواند در درون خود خلق کند. فرد هرچه بیش‌تر با دیگران و مردم

ارتباط برقرار کند و درونیات خود را محترم شمرده و ارج بگذارد، اعتماد به نفس احساسی-عاطفی زیادتري خواهد داشت و با اقتدار بیش تری با دیگران ارتباط برقرار خواهد کرد؛

۲- اعتماد به نفس رفتاری:

این اعتماد به نفس آن است که انسان باور داشته باشد، که می تواند و توانایی آن را دارد که تمام توان خود را به کار بگیرد و شرایط و اوضاع زندگی را آن گونه که مطلوب و دلخواه او است تغییر دهد (آنجلس، ۱۳۸۹: ۷۷).

عوامل کمبود اعتماد به نفس:

اعتماد به نفس مادر زادی نبوده و در زندگی بعضی از افراد تضعیف می شود که علت آن شرایطی مانند: کمبودهای شدید شخصی، شکست اجتماعی و یا عدم موفقیت شغلی و محرومیت های ناشی از تجارب گمراه کننده ای که انسان تحمل می کند روی هم مترکم می شوند و اطمینان خاطر او را کم کم به تحلیل می برد. (لستر، ۱۳۸۸: ۴۷). در زیر به موارد که منجر به کمبود اعتماد به نفس می شود اشاره شده است.

۱. ناتوانی در پذیرش تعریف های دیگران.
۲. تصورات ناشی از احساس حقارت آمیز نسبت به خود.
۳. نداشتن احساس مباحات و ارزشمندی در مورد آراستگی و ظاهر خود.
۴. مشکل در گفتن «نه» به دیگران، تصور این که او را دوست ندارند.
۵. ترس از طرد شدن نزد گروه هم سال.
۶. فقدان هرگونه هدف در زندگی و گزینش هدف های کم ارزش.
۷. ناتوانی در بیان موارد مثبت در مورد خود.

۸. احساس فشار و ناراحتی در موقعیت‌های اجتماعی (فیلد، ۱۳۸۷: ۲۰).

راه های تقویت اعتماد به نفس:

ایمان داشتن به این که جهان هستی و موجودات پدیده‌های می‌باشند که همواره روی به تحول و تکامل دارند و جریان هستی خود به خود به سوی خوبی و کمال پیش می‌رود. باور داشتن به نظم در نظام هستی و این که معنی و مفهومی در آن نهفته است. اعتماد داشتن به این که انسان‌های که موجود برتر است با تمام استعدادهای خود، مظهر، نمود و مخلوق خداوند که مبدأ آفرینش و خلقت جهان هستی می‌باشد هستند.

می‌توان گفت اعتماد به نفس روحی و معنوی در نهایت حسی از آرامش و صلح درونی است و قلب انسان را سیراب و روح او را از خود سرشار می‌سازد و به فرد امکان می‌دهد که با اطمینان خاطر در راه خود قدم بگذارد و بداند که راه او را نشان خواهد داد. اعتماد به نفس روحی و معنوی به انسان اجازه می‌دهد تا در یابد و اعتماد کند که هر جا باشد همان جای است که می‌بایست و نیاز دارد باشد (آنجلیس، ۱۳۸۹، ۹۲). در زیر به مواردی که به تقویت اعتماد به نفس کمک می‌کند اشاره شده است.

عوامل تقویت اعتماد به نفس:

۱. اراده استوار:

کمروترین افراد، هنگامی که انباشته از آزمندی یا انزجار کاملاً ریشه دار می‌گردد، به طور غیر ارادی پرجرئت و مصمم می‌شود و با آنچه برایش ناخوشایند است نیروی حیرت انگیزی بکار می‌بندد.

۲. مثبت نگری:

مثبت نگری عبارت است از جستجو کردن و بکار واداشتن وسایل واقعی و ملموس برای رسیدن به هدف.

۳. پیش بینی و برنامه ریزی:

تمام هدف‌های مشخص که از مثبت نگری ریشه گرفته باشد، نیاز به نقشه دقیق اجرایی دارد.

۴. نیروی دماغی:

نیروی دماغی بر اثر هماهنگی بودن فکر، که می‌پندارد و اراده، که به عمل درمی‌آورد برقرار می‌ماند و استوار می‌شود.

۵. پایداری و بردباری:

می‌توان از تلاش بدنی به عنوان عاملی تازه برای اطمینان به خود کمک گرفت.

۶. تعادل جسمانی:

سلامتی جسمی و احساس نیرومندی که نشانه تعادل کامل اند، هر کسی را به طور طبیعی پرجرئت می‌سازند.

۷. بر هوس‌های آنی خود مسلط شدن:

همانند رام کردن اسب‌های وحشی، با یک برنامه تعلیماتی منظم می‌توان به-تدریج بر وجود هوسناک مسلط شد و آن را تابع تصمیم‌های روشن بینانه منطقی قرارداد.

۸. دوری از هرگونه خود کوچک بینی:

انسان‌ها برای انجام کار به اطمینان کامل، دست نمی‌یابد، پس باید بیاموزد که چگونه خود را مجاب کند و با ناگزیر ساختن خویش به تدارک بهترین شرایط

برای پیروز شدن، دست به عمل بزند. (ژاگو، ۱۳۸۹، ۱۰۵)

اعتماد به نفس در مدیریت:

یکی از عوامل موفقیت در مدیریت، اعتماد به نفس است. مدیری که با تکیه بر قدرت ایمان و آگاهی به لیاقت و کفایت خویش متکی باشد و در میدان فعالیت تنها خود را مسئول کارهای خویش بداند و با جدیت و امید به پیشرفت اراده و عمل را تکیه‌گاه خود قرار دهد، اعتماد به نفس دارد. و مدیری که از صفت سازنده و امتیاز ارزنده اعتماد به نفس برخوردار باشد، بار مشکلات حوزه مدیریت را به راحتی بردوش پرتوان خود می‌گذارد و آن را از پیچ و خم تشکیلات، عبور داده، به نحو شایسته‌ای به سر منزل مقصود می‌رساند (عظیم زاده آران، ۱۳۸۹: ۱۶۴)

ویژگی های مدیران دارای اعتماد به نفس:

۱. این گونه مدیران از این که بر دیگران تأثیر بگذارند لذت می‌برند و به پیشرفت‌های که آن‌ها را به این مقام رسانیده، افتخار می‌کنند.
۲. هرگز از قدرت خود در جهت منفی و یا برای تحقیر و ناموفق جلوه دادن دیگران استفاده نمی‌کنند.
۳. روابط خوب بین کارمندان را تشویق می‌کنند و می‌خواهند مطمئن شوند که این روابط به طور آشکار در تمام سطوح سازمان وجود دارد. آن‌ها خود با حضور در جمع کارکنان و عدم کناره‌گیری از آن‌ها الگوی دیگران می‌شوند.
۴. رفتارهای توأم با ابراز وجود را مورد تشویق قرار می‌دهند و از عقاید نو و انتقادهای سازنده استقبال می‌کنند. هر چند که انجام این کار ممکن است به

معنی قبول تغییراتی در ساختار سازمان نیز باشد.

۵. این گونه مدیران خود قادر به تصمیم‌گیری هستند ولی تصمیم‌گیری را بعد از جویا شدن نظرات و احساسات همکاران علاقه‌مند و آگاه خود انجام می‌دهند.

۶. آماده قبول اشتباهات و یا کوتاهی‌های خود و عبرت گرفتن از آن‌ها هستند. اما برای حمایت از افزایش عزت نفس خود نیازی به نشستن روی صندلی‌های بزرگ ندارند.

۷. از پیشرفت‌ها، مهارت‌ها و آگاهی‌های همه افراد سازمان شاد می‌شوند.

۸. قادر به انتقاد و منظم ساختن کار افرادی هستند که از قوانین سازمان سرپیچی کرده و یا تعهداتشان را انجام نمی‌دهند (فیلد، ۱۳۸۷: ۱۵۹).

ویژگی‌های مدیران از دیدگاه اسلام

خصوصیات مدیر شایسته که در قرآن کریم به آن پرداخته شده عبارتند از:

۱- ایمان به خدا:

أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلُّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ؛ این رسول به آنچه خدا بر او نازل کرده ایمان آورده و مؤمنان نیز همه به خدا و فرشتگان خدا و کتب و پیغمبران خدا ایمان آوردند (بقره/ ۲۸۵). أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ؛ آیا آن کس که ایمان آورده (حالش در قیامت) مانند کسی است که کافر بوده؟ هرگز یکسان نخواهند بود (سجده/ ۱۸).

۲- دلسوزی عشق به کار:

فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا؛ نزدیک است که اگر امت تو به این سخن (قرآن) ایمان نیاورند جان عزیزت را از شدت حزن و تأسف بر آنان هلاک سازی (کهف/ ۶). لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ

عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ؛ همانا رسولی از جنس شما برای (هدایت) شما آمد که فقر و پریشانی و جهل و فلاکت شما بر او سخت می‌آید و بر (آسایش و نجات) شما بسیار حریص و به مؤمنان رئوف و مهربان است (توبه/ ۱۲۸).

۳- خیر خواهی:

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ؛ پیغام خدایم را به شما می‌رسانم و من برای شما ناصح و خیر خواهی امینم (اعراف/ ۶۸).

۴- لیاقت و شایستگی:

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ پیغمبرشان به آنها گفت: خداوند طالوت را به پادشاهی شما برانگیخت. گفتند که از کجا او را بر ما بزرگی و شاهی رواست در صورتی که ما به پادشاهی شایسته‌تر از اویم و او را مال فراوان نیست. رسول گفت: خداوند او را برگزیده و در دانش و توانایی و قوت جسم فزونی بخشیده، و خدا ملک خود را به هر که خواهد بخشد، که خدا به حقیقت توانگر و داناست (بقره/ ۲۴۷).

۵- امانت داری:

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ؛ یکی از آن دو دختر (صفورا) گفت: ای پدر این مرد را (که به شجاعت و امانت آراسته است) به خدمت خود اجیر کن که بهتر کسی که باید به خدمت برگزینی کسی است که توانا و امین باشد (قصص/ ۲۶).

۶- سعه صدر:

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ؛ آن کس که به علمی از کتاب الهی دانا بود (یعنی آصف بن برخیا یا خضر که دارای اسم اعظم و علم غیب بود) گفت که من پیش از آنکه چشم بر هم زنی تخت را بدین جا آرم (و همان دم حاضر نمود)، چون سلیمان سریر را نزد خود مشاهده کرد گفت: این توانایی از فضل خدای من است تا مرا بیازماید که (نعمتش را) شکر می‌گویم یا کفران می‌کنم، و هر که شکر کند شکر به نفع خویش کرده و هر که کفران کند همانا خدا (از شکر خلق) بی‌نیاز و (بر کافر هم به لطف عمیم) کریم است (نمل/۴۰).

۷- قاطعیت و رفق:

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتَبَتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرِّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ؛ (و یاد آر ای رسول) آن گاه که پروردگار تو به فرشتگان وحی کرد که من با شما می‌ام، پس مؤمنان را ثابت قدم بدارید، که همانا من ترس در دل کافران می‌افکنم، پس گردن‌ها را بزنید و همه انگشتان را قطع کنید (انفال/۱۲).

۸- قانون مداری:

أَفْحَكُمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ؛ آیا باز تقاضای تجدید حکم زمان جاهلیت را دارند؟ و کدام حکم از احکام خدا برای اهل یقین نیکوتر خواهد بود (مائده/۵۰).

۹- پیگیری ارزش ها:

إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ، وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ؛ همانا (در آن ملک) زنی را یافتم که بر مردم آن کشور پادشاهی داشت و به آن زن هر گونه دولت و نعمت (و زینت امور دنیوی) عطا شده بود و (علاوه بر اینها) تخت با عظمتی داشت. آن زن را با تمام رعیتش یافتم که به جای خدا خورشید را می پرستیدند و شیطان اعمال زشت آنان را در نظرشان زیبا جلوه داده و آنها را به کلی از راه خدا باز داشته و آنها هم به حق راه یافته نیستند (نمل/۲۳-۲۴).

۱۰- مشورت:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ؛ به مرحمت خدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تندخو و سخت دل بودی مردم از گرد تو متفرق می شدند، پس از (بدی) آنان در گذر و برای آنها طلب آمرزش کن و (برای دلجویی آنها) در کار (جنگ) با آنها مشورت نما، لیکن آنچه تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده، که خدا آنان را که بر او اعتماد کنند دوست دارد (آل عمران/۱۵۹).

۱۱- انتخاب همکاران صالح:

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي، وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي، يَفْقَهُوا قَوْلِي، وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي، هَارُونَ أَخِي، اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي، وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي؛ موسی عرضه داشت: پروردگارا، شرح صدرم عطا فرما (که از جفا و آزار مردم

تنگدل نشوم). و کار مرا برایم آسان گردان. و عقده را از زبانم بگشا. تا مردم سخمن را نیکو فهم کنند. و نیز از اهل بیت من یکی را وزیر و معاون من فرما. برادرم هارون را (وزیر من گردان). پشت مرا به او محکم کن. و او را در امر (رسالت با) من شریک ساز (طه/۲۵ تا ۳۲).

۱۲- اقدام به موقع:

وَلِكُلِّ وَجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيٰهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. هر کسی را راهی است به سوی حق که بدان راه یابد (یا قبله‌ای است که به آن روی آورد) پس بشتابید به خیرات که هر کجا باشید همه شما را خداوند (به عرصه محشر) خواهد آورد و محققا خدا بر همه چیز تواناست (بقره/۱۴۸)

۱۳- تشویق:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا، وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا. ای پیامبر (گرامی) ما تو را به رسالت فرستادیم تا (بر نیک و بد خلق) گواه باشی و (خوبان را به رحمت الهی) مژده دهی و (بدان را از عذاب خدا) بترسانی. و به اذن حق (خلق را) به سوی خدا دعوت کنی و (در این شب ظلمانی جهان) چراغ فروزان عالم باشی (احزاب/۴۵-۴۶). ر.ک توکل و اعتماد به نفس مریم قاسمی.

یافته‌ها

تفاوت اعتماد به نفس با توکل:

اعتماد به نفس اگر به معنای استغنا‌ی ذاتی از خداوند باشد در اندیشه و بینش، کفر و گمراهی است و در عمل، امر خلاف واقع و دور از حقیقت و امری باطل و

نادرست می‌باشد و بیانگر واقعیت بیرونی نیست. به این معنا که اگر شخص دارای چنین بینش و نگرشی باشد از نظر تکلیفی گناه کار و مستحق عذاب است و از نظر حکم وضعی، امری برخلاف واقع را گزارش کرده و یا باور نموده است. ولی آیا این امر با توکل و اعتماد به خدا منافات دارد؟ آیا باید به خدا اعتماد داشته باشیم و یا به خودمان و امکان جمع میان این دو وجود ندارد؟ به نظر می‌رسد برداشت صاحب نظران اسلامی از اعتماد به نفس و در نتیجه، دیدگاهشان در مثبت یا منفی بودن آن، متفاوت است (قاسمی، ۱۳۸۹).

به هر حال اعتماد به نفس دارای محدوده‌ای است که از آن نباید تجاوز کرد. اگر در جایی سخن صریح خداوند آمده باشد انسان نمی‌تواند به داشته‌های مادی خود اعتماد نماید در این باره خداوند می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (حجرات/۲۹، ۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید (در هیچ کار) بر خدا و رسول تقدم نجوید و از خدا پروا کنید که خدا شنوا و داناست. ای اهل ایمان، فوق صوت پیغمبر صدا بلند نکنید و بر او فریاد بر نکشید چنان که با یکدیگر بلند سخن می‌گویید که اعمال نیکتان (در اثر بی ادبی) محو و باطل شود و شما فهم نکنید. امام علی^(ع) فرمود: إِيَّاكَ وَالثَّقَّةَ بِنَفْسِكَ ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَكْبَرِ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ . از اطمینان به خودت پرهیز ؛ زیرا که آن از بزرگترین دام‌های شیطان است (غرر الحکم: ۲۶۷۸).

برتری توکل بر اعتماد به نفس:

در گفتمان دین اسلام با استعانت از آیات و روایات که در مورد توکل بر

خداوند آمده این مطلب روشن می‌شود که یک شخص هر چند توانایی علمی بالای داشته باشد و از اعتماد به نفس شایسته‌ای برخوردار باشد، بدون توکل نمی‌تواند به عملکرد مناسبی دست یابد. چون تمام سعی و تلاش و توان یک فرد مادی، فقط به اندازه مادیات و رسیدن به مطلوبیت طبیعی دنیوی می‌باشد، با این مفکوره کوتاه نمی‌تواند به طور وسیع و همه جانبه فعالیت را انجام دهد که نه به دین آسیبی وارود شود و نه افراد زیر دست ناراضی بمانند و نه از اهداف تعیین شده عقب بمانند. بنابر این می‌توان گفت اگر تعارضی بین اعتماد به نفس و توکل پیش آید، توکل مقدم است و اگر اعتماد به نفس با اعتقادات دینی نیز در تضاد باشد بی‌ارزش خواهد بود. پس می‌توان گفت اعتماد به نفسی ارزشمند است که در راستای توکل بر خداوند باشد و با باورهای اسلامی مخالف نباشد. با تحلیل داده‌ها می‌توان گفت هم اعتماد به نفس بر عملکرد مدیران اثرگذار است و هم توکل بر خداوند حلال مشکلات مدیریتی است.

حال یافته‌های این تحقیق با عنوان نقش توکل و اعتماد به نفس در مدیریت اسلامی بیانگر این نکته است که ترکیب اعتماد به نفس و توکل بر خداوند در بهبود یک عملکرد با مصداق خود مدیریتی ظاهر می‌شود. به این معنی که اگر مدیر اعتقاد به توکل داشته باشد اولین کار که انجام می‌دهد تسلط بر خود او است، اگر فردی بر خود و توانایی خود باور داشته باشد از شرایط و امکانات به خوبی می‌تواند استفاده کند، در زیر به طور اجمال در باره مدیریت بر خویشتن توضیح داده شده و به عنوان حاصل این تحقیق ارائه شده است.

خود مدیریتی:

مدیریت بر خویشتن، ایجاد حالتی است در درون فرد که بدون دخالت عامل

خارجی او را به انجام وظایفش متمایل می‌سازد. هدفی که در خودکنترلی دنبال می‌شود ارائه یک شخصیت سالم است که به بلوغ فکری رسیده و در برابر انواع مشکلات از خود مقاومت نشان می‌دهد. خود مدیریتی افراد را قادر می‌سازد تا انتخاب‌های آگاهانه داشته باشند و دیدگاه‌های جدید را با مهارت‌های عمومی انطباق دهند تا در صورت بروز مشکلات جدید به کار برده شود (Ministry, 2016) رفتارها، احساسات و تحریکات ناخوشایند را هدایت، و آرامش خود را در بحران‌ها کنترل کند و انعطاف پذیری با چالش‌ها را از خود نشان دهد (Bob, 2018) استراتژی‌های خود مدیریتی به ساختن محیط کار کمک می‌کند، انگیزه‌ها را افزایش و رفتارهایی که به دستیابی به استانداردهای عملکرد کمک می‌کنند تسهیل می‌بخشد، استراتژی‌های خود مدیریتی عبارتند از خود نظارت، خود تنظیم هدف، خود هدایتی، خود پاداش و خود تنبیه (Gomez, 2017) در خود مدیریتی فرد برای نظارت کردن از مستندات استفاده می‌کند، و به دنبال ارزیابی و تقویت رفتارهای خود است (Lawrence, 2016).



نتیجه‌گیری:

همان‌طور که در مدل بالا نشان داده شده است، یافته‌ها بیانگر این مطلب می‌باشد که توکل بر خداوند به عنوان یک باور دینی و نیز اعتماد به نفس با آگاهی کامل از وضعیت و بکارگیری تمام امکانات، عمیقاً موثر بر عملکرد مدیران بوده و بیانگر الگویی از مدیریت اسلامی می‌باشد. ولی چنانچه هر توکلی که بدون در

نظر گرفتن اطلاعات کافی و فراهم بودن شرایط لازم باشد، ناعاقلانه بوده و رسیدن به موفقیت آن تضمین شده نیست. اگر مدیران مسلمان با دارا بودن دانش لازم و اطلاع از وضع موجود برخوردار از قدرت توکل بر خداوند باشند، نتیجه این کار خود مدیریتی است و فردی که بر خود مسلط باشد اغلب از اشتباهات دوری نموده و عملکرد سالمی دارد. یکی از امتیازهای یک مدیر مسلمان بر دیگران آن است که او با جهان بینی کامل تر از دیگران به مدیریت خود می-پردازد-چون به مادیان و معنویان با هم توجه دارد- عملکرد او نیز پربارتر، اثربخش تر و از اعتماد به نفس بالاتری برخوردار بوده و کارهای خود را با آگاهی از وضعیت با توکل بر خداوند انجام می دهد. این رویکرد یک مدیر و باور او دخیل در انجام وظایفش می باشد که این کار نشان دهنده مصداقی از اعمال مدیریت اسلامی در میدان عمل در سازمان و مدیریت می باشد.

فهرست منابع:

۱. قرآن کریم ترجمه، الهی قمشه‌ای؛
۲. آل. آر. هولستی (۱۳۸۰). **تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی**، ترجمه: نادر سالارزاده امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ دوم؛
۳. آنجلس، باربارا دی (۱۳۸۹). **اعتماد به نفس (دست یابی به آن و زندگی با آن)**، مترجم هادی ابراهیمی، تهران: نسل نواندیش، پنجم؛
۴. انوری، حسن (۱۳۸۱). **فرهنگ بزرگ سخن**، تهران: سخن، چاپ اول؛
۵. بابائیان (۱۳۸۴). (پایان نامه مقطع دکترای)، **فلسفه مدیریت از دیدگاه اسلام**، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی؛
۶. پتر، لستر (۱۳۸۸). **به خود اعتماد کنید**، ترجمه: محمد حسین سروری، تهران: نگاه، چاپ اول؛
۷. پرستون، دیوید لارنس (۱۳۸۸). **۳۶۵ گام به سوی اعتماد به نفس**، مترجمان: شمس‌الدین حسینی، الهام آرام‌نیا، تهران: نسل نواندیش، چاپ اول؛
۸. پیل کلمان ژاگو (۱۳۸۹). **غلبه بر کمرویی**، مترجم حسین بنی‌احمد، تهران: ققنوس، چاپ یازدهم؛
۹. پورشافعی، هادی (۱۳۹۳). **پژوهش و نگارش علمی، با رویکرد پایان نامه نویسی**، تهران: آوای نورد، چاپ اول؛
۱۰. خاکی، غلامرضا (۱۳۷۸). **روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه نویسی**، تهران: مرکز تحقیقات علمی ایران، چاپ اول؛
۱۱. دانایی فرد، حسن، الوانی، مهدی، آذر، عادل (۱۳۸۳). **روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت**، تهران: صفار، چاپ اول؛

۱۲. ریمون کیوی (۱۳۸۵). لوک وان کامپنهود، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران: توتیا، چاپ اول؛
۱۳. جفرز، سوزان (۲۰۱۳). ۱۳۵ نکته برای اعتماد به نفس، مترجم: سپیده خلیلی، www.parsbook.org.
۱۴. فروتنی، زهرا (۱۳۸۷). مبانی تصمیم‌گیری استراتژیک امام خمینی، تهران: پژوهش‌کده امام خمینی و انقلاب اسلامی، چاپ اول؛
۱۵. فیلد، گیل لیندن (۱۳۸۷). اعتماد به نفس برتر (گام‌های ساده برای کسب اعتماد به نفس)، مترجمان: حمید و نگار اصغری پور، تهران: نشر جوانه رشد، چهارم؛
۱۶. قاسمی، مریم (۱۳۸۸). توکل و اعتماد به نفس، تهران: مدرسه راهنمایی دخترانه دکتر دانشپور؛
۱۷. کتاب (۱۳۹۰). رازهایی برای کسب موفقیت و ثروت، زنجان: تبیان؛
۱۸. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۱). پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ره) چاپ سوم؛
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹). اخلاق در قرآن، قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب^(ع)، چاپ دوم؛
۲۰. موحدی، هادی (۱۳۸۳). یک هزار حدیث، قم: ارم، چاپ اول؛
۲۱. معین، محمد، (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، بیستم؛
۲۲. نبوی، محمد حسن (۱۳۸۷). مدیریت اسلامی، قم: بشر بوستان کتاب چاپ سیزدهم؛
۲۳. یوسف نژاد عالی زمینی، محمد (۱۳۹۱). شیوه‌نامه پژوهش و نگارش

علمی، پژوهشگاه انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران: چاپ اول؛

24. Bob Harrison, (2018) *Leadership–Skills, Aptitude & Emotional Intelligence*.
25. Decision- Cezar Vasilescu, (2011), *Effective Strategic making*, Journal of self resources management, No.1, Brasov, Roman.
26. Lawrence Michael, Mogga Rombe, (2016) *Effective Time and SelfManagement, Environment and Productivity in an Organization*, Science Journal of Business and Management. Vol. 4, No. 6, South Sudan.
27. Ministry of Health, (2016) *Self-management Support for People with Long-term Conditions*, New Zealand.
28. Gomez, Savilene Julia, (2017), *Self-Management Skills of Management Graduates*, International Journal of Research in Management & Business Studies, Vol. 4 Issue 3, India.

